



امامت امام سجاد چگونه معرفی شد؟/تاریخ پیدایش فرقه کیسانیه و زیدیه

حجت الاسلام رضانژاد گفت: قبل و بعد از امامت امام سجاد(ع) دو فرقه کیسانیه و زیدیه در شیعه پدید آمد. برخی معتقدند این فرقه ها توسط بنی امیه و بنی عباس برای اختلاف افکنی میان شیعیان تقویت شدند.

حجت الاسلام رضانژاد گفت: قبل و بعد از امامت امام سجاد(ع) دو فرقه کیسانیه و زیدیه در شیعه پدید آمد. برخی معتقدند این فرقه ها توسط بنی امیه و بنی عباس برای اختلاف افکنی میان شیعیان تقویت شدند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه_سیدحسین امامی: پرداختن به جریان شناسی ها در موضوعات کلامی و اعتقادی به ویژه در موضوع امامت از اهمیت فراوانی برخوردار است. همه مستحضرنند که مهمترین دغدغه مسلمانان پس از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام(ص) دغدغه امامت و خلافت آن حضرت بود. این دغدغه براساس دیدگاه مسلمانان به دو طیف فکری تقسیم می شود که در یک طرفش ما مدعی هستیم اهل بیت پیامبر(ص) قرار دارند و صحابه ای که با اهل بیت پیامبر(ص) همراه بودند و در طیف دیگر گروه ها و جریانات دیگر.

در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین عزالدین رضانژاد، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه به بررسی امامت امام سجاد(ع) و تحلیل و بررسی انحرافات فرقه های زیدیه و کیسانیه پرداختیم که اکنون متن آن پیش روی شماست؛

*امامت امام سجاد چگونه معرفی شد؟ در مورد اصل امامت جامعه اسلامی، مسلمانان به دو گروه تقسیم شدند. عده ای گفتند همان را که پیامبر(ص) معرفی کرده ما أخذ می کنیم. حالا زمان گذشت. زمان امیرالمؤمنین(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) گذشت. نیم قرن از رحلت پیامبر(ص) گذشت، امام حسین(ع) به شهادت رسید. حالا امامت به چه کسی انتقال پیدا می کند و چگونه؟

ما شیعیان اثنی عشر براساس روایتی که داریم معتقدیم هیچ ابهامی در رابطه با ادامه امامت در میان شیعیان بعد از امام حسین(ع) وجود ندارد و آن سه محور این است:

دلیل اول، حدیث اثنی عشر است که به حدیث اثنی عشر خلیفه یا اثنی عشر امیر یا اثنی عشر سلطان یا اثنی عشر امام معروف است. این حدیث از پیامبر(ص) است در کتب اهل سنت از جمله کتب صحاح ایشان که معروف ترین آن صحیح بخاری است و در صحیح مسلم و در کتاب سنن و مسندشان این حدیث از پیامبر(ص) نقل شده است که پیامبر(ص) فرمود: عزت اسلام و مسلمین، فخر اسلام، شرف اسلام به این است که در میان مسلمانان دوازده نفر بیایند، امامت و خلافت را به عهده بگیرند. امامان دوازده گانه، خلفای دوازده گانه. این به حدیث اثنی عشر معروف شد. در میان فرق اسلامی هیچ فرقه ای جز ما به این حدیث عمل نکرده است.

ما شیعه اثنی عشری از جمله کسانی هستیم که به حدیث پیامبر(ص) نسبت به دوازده امامی که ویژگیهای امامت را داشته باشند همانند عصمت، علم غیب و ویژگیهای دیگر را که فقط ما معتقدیم و دیگران عمل نکردند.

بخش اول حدیث اثنی عشر به ما می گوید دوازده خلیفه خواهد آمد که از قریش هستند، ولی نام اینها بیان نشده است، اما در حدیث لوح نام تک تک امامان آمده است

دلیل دوم، حدیث لوح در روایت جابر بن عبدالله انصاری که آن حدیث مهم در موضوع امامان دوازده گانه است. در بخش اول حدیث اثنی عشر به ما می گوید: دوازده خلیفه خواهد آمد که از قریش هستند، اما نام اینها بیان نشده است، اما در حدیث لوح نام تک تک امامان آمده است. در حدیث جابر نام تک تک آمده است. قبل از اینکه به دنیا بیایند پیامبر(ص) نام آنها را نقل کرده اند و به جابر گفته است: تو از میان آنها علی(ع) که همزمان است را می بینی. حسن(ع) و حسین(ع) را می بینی. زین العابدین(ع) را می بینی، فرزند ایشان امام محمد باقر(ع) که کودک است او را هم می بینی. اگر او را دیدی سلام مرا به او برسان. طبق این اسناد و مدارک، تکلیف ما شیعیان اثنی عشر نسبت به مصادیق امامان دوازده گانه بسیار روشن است.

دلیل سوم، وصیت خود امام حسین(ع) است. امام حسین(ع) برای امام بعد از خودش سفارش کرد. به عبارتی دیگر

امام بعد از خودش را معرفی کرد که آقا امام زین العابدین(ع) بود. امامان کتابهایی داشتند که گاهی از آنان تعبیر به صحیفه می شود. گاهی از آنها تعبیر به جامعه می شود. امام حسین(ع) طبق روایاتی آن امانت مکتوب مرتبط با امامت را به دخترش فاطمه بنت الحسین(ع) داده است تا او را به امام زین العابدین(ع) بدهد، چون امام سجاد(ع) در زمان شهادت امام حسین در نجات و بیماری شدیدی بودند. امام این امانت را به فاطمه بنت الحسین داد. پس تکلیف ما روشن است. طبق حدیث اثنی عشر که نام امام سجاد در آن هست، امام زین العابدین(ع) امام است، چون امام حسین(ع) به امامت او سفارش کرد، پس ایشان (امام سجاد) امام است. امام زین العابدین(ع) امام است، چون در حدیث جابر از پیامبر اکرم(ص) نسبت به امامت او تصریح شده است و ده ها شواهد دیگر مبنی بر امامت امام سجاد(ع) هست.

ما شیعه اثنی عشری از جمله کسانی هستیم که به حدیث پیامبر(ص) نسبت به دوازده امامی که ویژگیهای امامت را داشته باشند همانند عصمت، علم غیب و ویژگیهای دیگر را که فقط ما معتقدیم. دیگران عمل نکردند

*در موضوع امامت امام چهارم انحراف کوچکی در میان عده ای از کسانی که نام شیعه را بر پیشانی خود داشتند بوجود آمد. انحراف کوچک که می گویم چون این انحراف مربوط به مجموعه شیعه نبوده، یک قشر کوچکی از شیعه در امامت امام سجاد(ع) به اشتباه رفتند. بعدها این گروه شدند یک فرقه اعتقادی به نام فرقه کیسانیه. به عبارتی دیگر پیدایش فرقه کیسانیه اولین انشعاب در گروه اهل نصب بود. اهل نصب معتقد بودند امامت بعد از پیامبر(ص) به امیرالمؤمنین(ع)، بعد به امام حسن(ع)، بعد به امام حسین(ع) و بعد از امام حسین(ع) انحراف به وجود آمد. کیسانیه چه کسانی هستند و چه شناسنامه ای دارند؟

این فرقه در نیم قرن اول به وجود آمد یا به عبارتی دیگر آن را به وجود آوردند. دو حرف است: یک وقت می گوئیم جریان سازی شکل گرفت و یک زمان می گوئیم جریان سازی نبوده بعدها این جریان سازی را به عده ای نسبت دادند که در میان محققان اختلاف هست.

کیسانیه همان گروهی هستند که معروف شدند به انتقام گیرندگان از خون سیدالشهدا(ع). به مجموع کسانی که گرایش پیدا کردند در موضوع سیاسی به مختار برای انتقام از قاتلان سیدالشهدا(ع)، گاهی کیسانیه و گاهی مختاریه می گویند. کیسانیه همان طرفداران مختارند. کیسان نام یکی از مشاوران اصلی مختار یا نام یکی از کشاورزان در کوفه بوده است که به مختار اطلاعات خوبی در خصوص قاتلان سیدالشهدا(ع) می دهد. حدود ۹ یا ۱۰ قول در مورد کیسان وجود دارد. همین اقوال متعدد نشانگر این است که کیسانیه ساخته و پرداخته دشمنان اهل بیت(ع) به ویژه بنی امیه هستند که می خواستند در میان شیعه اختلاف ایجاد کنند. مختار امامت شیعه را به عهده نداشت، یک جریان سیاسی بود برای انتقام گیری از قاتلان سیدالشهدا(ع).

اما کسانی بودند که گویا بوی رهبری سیاسی به عنوان خلیفه به مشامشان می رسید. کیسانیه یک فرقه بود که بعدها تشکیل شد و این فرقه دوام نیاورد. بعد از انزوای بنی امیه و روی کار آمدن بنی عباس حدوداً در نیمه دوم قرن دوم پرونده کیسانیه بسته شد. به خاطر این که امام باقر(ع) و امام صادق(ع) با آن انقلاب فرهنگی که در مدینه و کوفه ایجاد کردند همه متوجه شدند کیسان نه رهبری شیعه را برعهده دارد و نه کسانی که شیعه او را رهبر خودشان می نامیدند بنام محمد حنیفه.

کیسانیه یک فرقه بود که بعدها تشکیل شد که این فرقه دوام نیاورد. بعد از انزوای بنی امیه و روی کار آمدن بنی عباس حدوداً در نیمه دوم قرن دوم پرونده کیسانیه بسته شد

در کتاب فرقه شناسی می گویند: امام کیسانیه محمد حنیفه است؛ پسر امیرالمؤمنین(ع)، برادر نانتی امام حسین(ع)، مادرش از خویشان و خودش هم آدم بدی نبوده، آدم خوبی بوده. یک عده دورش را گرفتند که بگویند بعد از امام حسین(ع) امامت به حنیفه می رسد چون امام حسین(ع) بعد از امام حسن(ع) به امامت رسید پس شما محمد حنیفه بعد از امام حسین(ع) امام هستید و ما به شما ایمان می آوریم. وقتی که عده ای دور محمد حنیفه را گرفتند باورش شد که نکند درست می گویند، شاید من امام باشم، چون قبلاً برادرم امام حسن(ع) امام بود، بعد برادرم امام حسین(ع) امام بود، پس حالا من هستم و تا برادر هست نوبت امامت به فرزند نمی رسد و یعنی به امام سجاد(ع) نمی رسد. اینکه آیا محمد حنیفه در تاریخ این ادعا را داشته یا نه، در تاریخ ثابت نشده است.

اما جریانی در تاریخ هست که می گویند محمد حنیفه توبه کرد و به امامت برادرزاده اش ایمان آورد و آن جریان این است: در مراسم حج در کنار مکه مکرمه امام سجاد(ع) به حج آمد. مردم امام سجاد(ع) را می شناختند، شیعیان می

شناختند، غیر شیعه او را نمی شناختند به عنوان یادگار امام حسین (ع)، به عنوان آزاده اهل بیت، به عنوان کسی که در عاشورا بوده و به اسارت رفته و به عنوان امام شیعیان، بارها و بارها ایشان به حج رفتند. عده ای آمدند کنار کعبه تا محمد حنفیه را بزرگ کنند. عده ای از حسودان و کینه توزان و کسانی که اختلاف افکن بودند. هم امام سجاد (ع)، هم عمویش محمد حنفیه در مراسم حج هستند. وقتی خبر به امام سجاد (ع) رسید، نقل متفاوت است یکی را بیان می کنم که مرحوم شیخ مرتضی در کتاب عیون المعجزات از ادله امامت امام زین العابدین (ع) این جمله را نقل کرده است که در تاریخ منتخب هست به ... و یحیی بن ام طویل که اینها می گویند وقتی که در مکه بودیم و شنیدیم که محمد حنفیه ادعای امامت کرد و گفت: من فرزند علی (ع) هستم و امامت به من می رسد و عده ای از مردم دورش را گرفتند در آن جا عده ای از مردم سراغ زین العابدین (ع) رفتند، جریان را خبر دادند. امام (ع) رفتند محمد حنفیه را نصیحت کردند، موعظه کردند، به او یادآوری کردند آنچه از پیامبر (ص) به فرزندان امام حسین (ع) و نسل او در امامت مطرح است به او تذکر دادند.

امام سجاد (ع) متذکر شدند امامت طبق وصیت و سفارش امام حسین (ع) به من رسیده است، اگر به تو به عنوان برادر، امامت می رسد باید وصیت به دست تو می رسید. محمد حنفیه دید عده ای دورش را گرفته اند و گفته اند ما این حرف ها را قبول نداریم. امام سجاد (ع) برای این که نشان دهد امامت کار کوچکی نیست که هر کس ادعا کند شرط و شروط دارد، یکی از ویژگی های امام ابراز معجزه است، همان گونه که نبوت با معجزه اثبات می شود. وقتی مردم حرف درست و حسابی را گوش نکنند روایت صحیح را بگذارند کنار، وقتی امام دید موعظه اثر ندارد، دست محمد حنفیه را گرفت پیش حجرالاسود برد تا حجرالاسود که سنگی بهشتی است بین ما حکم کند، حکم باشد. به حجرالاسود خطاب می کند: ای حجرالاسود! آیا تو شهادت به امامت من می دهی یا به امامت محمد حنفیه؟ خداوند به حجرالاسود زبان داد، نطق کرد و برای امامت امام سجاد (ع) شهادت و گواهی داد. جمله ای را که همه مردم از حجرالاسود شنیده اند به صورت گوناگون نقل شده است که حق با علی بن الحسین (ع) است. بعد از این قضیه محمد حنفیه پشیمان شد و توبه کرد.

زیدیه گفتند از نسل فاطمه هر کس باشد و قیام به سیف بکند، مسلحانه در مقابل ظالم بایستد او می شود امام مسلمین. زیدیه این را مبنا قرار داده است و هر امامی که قیام نکند امام نیست

*پس جریان کیسانیه که دم از امامت محمد حنفیه می زد هم از طریق روایات و بالاخره بعد از حکم قرار دادن حجرالاسود خاتمه پیدا کرده بود، حتی آنهایی که نبودند امام ایشان را پذیرفتند. بعدها بزرگان کیسانیه در زمان امام صادق (ع) برگشتند به مجموعه شیعه و امامت امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را پذیرفتند، ولی جریان دیگری به وجود آمد بنام فرقه زیدیه و موضوع امامت زید بن علی بن الحسین بود. در مورد ماهیت این فرقه توضیح می دهید؟

در زمان امام محمد باقر (ع) برادر ایشان ادعای امامت کرد که به نام زید بن علی بن الحسین بود. یک جریان سیاسی راه انداخت و مقصدش امامت نبوده و آن جریان این است که حدود ۵۰ سال از شهادت امام حسین (ع) گذشت و اهل بیت (ع) در انتظار بودند انتقام خون امام حسین (ع) را از بنی امیه بگیرند، لذا فرزند امام سجاد (ع) به نام زید برادر امام باقر (ع) در سال ۱۲۳ هجری قمری دست به قیام زد و در کوفه قیام کرد. عده ای به او پیوستند و جریان چریکی علیه بنی امیه تشکیل دادند و در آن جریان، زید بن علی و یارانش دستگیر می شوند و در کوفه به شهادت می رسند.

پیروان اهل بیت (ع)، زید را الگو کردند تا هر کجا که توانستند به بنی امیه ضربه بزنند. این جریان بعدها تبدیل شد به این که پس از زید امام و رهبر است. زید در زمان خودش امامت را ادعا نکرده است. امام صادق (ع) وقتی خبر شهادت زید را شنید جمله *إنا لله و إنا الیه راجعون* را خواند. جملاتی را گفت: *عموی من زید آدم با ورعی بود، روزها روزه می گرفت و شب ها مناجات می کرد و او با ما بوده و ادعای امامت نکرده است و امام صادق (ع) برایش عزاداری کردند. بنی عباس جریان گرایش به زید را تشویق و حمایت کردند تا در میان شیعه انفکاک ایجاد کنند برای همین فرقه زیدیه باقی مانده و کشور یمن تعداد زیادی زیدیه دارد.*

بنی عباس جریان گرایش به زید را تشویق و حمایت کردند تا در میان شیعه انفکاک ایجاد کنند برای همین فرقه زیدیه باقی مانده و کشور یمن تعداد زیادی زیدیه دارد

زیدیه گفتند از نسل فاطمه هر کس باشد و قیام به سیف بکند، مسلحانه در مقابل ظالم بایستد او می شود امام مسلمین. زیدیه این را مبنا قرار داده است و هر امامی که قیام نکند امام نیست. پیامبر (ص) فرمودند: *حسن (ع) و حسین (ع) دو فرزند من و از امامان هستند چه قیام کنند و چه قیام نکنند. ملاک امام معصوم در امامت قیام کردن نیست. در حدیث اثنی عشر، حدیث جابر، حدیث لوح و وصیت امام سجاد (ع) حرفی از زید نیست.*

روایت اول: راوی خود امام سجاده(ع) است. روایت طولانی را نقل کرده طبق حدیث جابر. پیغمبر(ص) اشاره کرد که به سبطش حسین(ع) و گفت: از ذریه و نسل این نوه من مردی در آخر الزمان قیام خواهد کرد که زمین را بعد از ظلم و فساد به عدالت گسترده خواهد کرد.

روایت دوم: ابو حمزه ثمالی از اصحاب امام سجاده(ع)، امام محمد باقر و امام صادق(ع) است. ایشان نقل می کند از یکی از یاران امام سجاده(ع) بنام ابو خالد کابلی که ملقب به کنگر بود، می گوید: روزی خدمت امام زین العابدین(ع) رسیدم و از ایشان چند سؤال پرسیدم. یک سؤال این بود: ای پسر پیغمبر(ص)! به من خبر بده خدا اطاعت چه کسانی را واجب کرده است؟ مؤدت و محبت در قرآن نسبت به چه کسانی است؟ امام جواب نام امامان را تک تک برد. ابو خالد پرسید ما روایت شنیدیم که علی فرموده در روی زمین همیشه حجت خدا هست. الان حجت چه کسی است؟ الان شما هستید؟ از امامان بعد می پرسد امام باقر(ع) را نام می برد، شکافنده علم است و امام سجاده(ع) نام تک تک امامان را می برد.